

## میزان اضطراب مرگ براساس جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی به خدا

خلیل اسماعیل پور<sup>۱\*</sup>، بهمن اسماعیلی انامق<sup>۲</sup>، علی اکبر شریفی<sup>۳</sup><sup>۱</sup> دکتری مشاوره، استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تبریز (Khalil\_sma@yahoo.com)<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان دانشگاه تبریز<sup>۳</sup> دانشجوی روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

## چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ابعاد جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی به خدا در سطوح اضطراب مرگ است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی علی-مقایسه‌ای است. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، ۱۵۰ نفر بزرگسال مرد (با میانگین سنی ۵۳/۴۷ و انحراف استاندارد ۹/۵۶) انتخاب و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های جهت‌گیری مذهبی آلپورت و سبک‌های دلبستگی به خدا و مقیاس اضطراب مرگ تمپلر استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که افراد با دلبستگی ایمن به خدا و جهت‌گیری مذهبی درونی کمترین میزان اضطراب مرگ را در مقایسه با دلبستگی نایمن به خدا و جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند. براساس نتایج تحقیق می‌توان گفت که جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک دلبستگی ایمن به خدا می‌توانند در کاهش اضطراب مرگ در افراد مؤثر باشند و باید در مداخلات درمانی با افراد سالمند و افرادی که از قریب الوقوع بودن مرگشان ناراحت هستند، مد نظر قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: اضطراب مرگ، دلبستگی به خدا، جهت‌گیری مذهبی، سالمندان

نقش مهمی در حفظ سلامت روانی و سطح نگرانی‌های بزرگسالان بازی می‌کند و تحقیقات خیلی کمی در مورد نقش سبک‌های دلبستگی به خدا در اضطراب مرگ انجام شده است. پژوهش حاضر به بررسی این سوال می‌پردازد که سبک‌های دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی بر تا چه حد با اضطراب مرگ رابطه دارند؟

## روش

شرکت کنندگان و طرح پژوهش

جامعه‌ی پژوهش حاضر را بزرگسالان مرد بالای چهل سال ساکن شهر مرند (از استان آذربایجان شرقی) تشکیل می‌دهد. نمونه‌ی مورد بررسی ۱۵۰ مرد بزرگسال بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون t مستقل استفاده شده است.

## ابزار

پرسشنامه‌ی جهت‌گیری مذهبی آلپورت: آلپورت بر مبنای کوشش‌های نظری‌اش سعی در ساختن مقیاسی برای اندازه‌گیری جهت‌گیری مذهبی نمود. او به همین منظور یک مقیاس بیست گزینه‌ای ساخت که یازده گزینه‌ی آن به جهت‌گیری بیرونی و ۹ گزینه‌ی دیگر به جهت‌گیری درونی اشاره می‌کند. همسانی درونی این مقیاس توسط جان بزرگی (۱۳۷۸)، به نقل از آزموده، شهیدی و دانش، عصمت، (۱۳۸۶) در یک گروه نمونه‌ی ۲۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران، بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۳۷ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز همسانی درونی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ضریب آلفای معادل ۰/۷۱۲ به دست آمد.

پرسشنامه سبک دلبستگی به خدا: روات و کرک پاتریک (۲۰۰۲)، مقیاس چند بعدی دلبستگی به خدا را ساخت که شامل ۹ گزاره است. در این آزمون هر سه گزاره یکی از سبک‌های دلبستگی به خدا را توصیف می‌کند. از پاسخ دهندگان خواسته می‌شود، در جبهی مطابقت ارتباط خود با خدا را در دامنه‌ی ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافق) تعیین کنند. همسانی درونی دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا در مطالعه‌ی شهبایی زاده (۱۳۸۳)، سپاه منصور و همکاران، (۱۳۸۷) به ۰/۸۷، ۰/۷۰ و ۰/۷۶ و در پژوهش حاضر به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۶۹ و ۰/۷۴ به دست آمد.

پرسشنامه‌ی اضطراب مرگ: مقیاس اضطراب مرگ توسط تمپلر در سال ساخته و اعتباریابی شده است. ترسن و پاول در سال ۱۹۹۰ در مطالعه‌ی ضریب آلفای کرونباخ و اعتبار بازآزمایی آن را (بعد از یک ماه) به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. بین این پرسشنامه و پرسشنامه‌ی اضطراب ضریب همبستگی ۰/۴۳ گزارش شده است. این پرسشنامه توسط ابوالقاسمی در سال ۱۳۷۶ به فارسی برگردانده شده است. ابوالقاسمی ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۹ به دست آورد. همبستگی مقیاس اضطراب مرگ با مقیاس انگیزش مذهب درونی هوگ ۰/۳۲- و با پرسشنامه‌ی سلامت عمومی گلدبرگ و همکاران ۰/۲۹ بود (نقل از ابوالقاسمی و نرمانی، ۱۳۸۵).

شیوه گردآوری داده‌ها

برای انتخاب نمونه به مراکز مراجعه شد که افراد بزرگسال بیشتر در آن مکان‌ها حضور داشتند. بدین منظور برای انتخاب نمونه به امکان عمومی از جمله چند تفریحگاه و پارک تفریحی و

بسیاری از دانشمندان به نقش مذهب در مواجهه با مرگ و فناپذیری اشاره کرده‌اند. عقیده‌ی عمومی این است که مذهب به تمام سؤال‌های مربوط به مرگ و علت وجودی انسان پاسخ می‌دهد و در افراد یک حس پیش‌بینی‌پذیری و احساس کنترل ایجاد می‌کند که از اضطراب فراخوانده شده، که ناشی از نگرش خاص به مرگ و مواجهه با مرگ است، پیشگیری می‌کند. یونگ (۱۹۶۵) معتقد بود که مذهب، پدیده‌ی پیچیده‌ای است که باعث آماده شدن برای مواجهه با مرگ می‌شود. او معتقد بود نیمه‌ی دوم زندگی فرایند طبیعی آماده شدن برای مرگ را در بردارد و مذهب در افراد حس معناداری زندگی و مرگ را ایجاد می‌کند. فرانکل (۱۹۷۷) آگاهی از اجتناب‌ناپذیری مرگ را به عنوان بحران وجودی می‌داند که اشخاص به طور اساسی با نیاز به یافتن معنا در زندگی، با آن مواجه می‌شوند. به عقیده‌ی فرانکل عقاید معنوی اغلب به عنوان عامل کمکی و روش مؤثر در مواجهه با مرگ و یافتن معنا در زندگی و نگرش به مرگ است. اخیراً نظریه‌ی مدیریت ترس (TMT) (Terror Management Theory) سولومون، کرنبرگ و پیزینیسکی (۱۹۹۸) به فرایند روان‌پویایی زیربنایی در ارتباط با مواجهه با مرگ و نقش مذهب در این خصوص اشاره دارند. براساس نظریه‌ی مدیریت ترس، اخلاقیات و سیرت معنوی نقش حمایتی در کار و امور انسان دارد و معتقد است که مردم برای مدیریت ترس دیدگاه‌های فرهنگی-جهانی خاص خود را در آگاهی و مواجهه با مرگ تولید می‌کنند. دیدگاه‌های فرهنگی-جهانی شامل اعتقادات مذهبی است که برای فرد مسیرهای دست‌یابی به موفقیت و یافتن معنا در زندگی را فراهم می‌سازد (یک، ۲۰۰۶). نظرات یونگ و فرانکل بیانگر این است که دلبستگی به مذهب اضطراب مرگ را به حداقل می‌رساند و علیه احساس ناامیدی وجودی به عنوان عامل حمایتی عمل می‌کند.

در حقیقت شکل تجربه‌ی عشق نسبت به خدا، شبیه دلبستگی کودک-مادر است. کرک-پاتریک بر این باور است که بزرگسالان دلبسته‌ی ایمن نسبت به دو گروه دیگر نا ایمن خدا را بیشتر مهربان و کمتر غیر قابل دسترس و دور و کنترل کننده توصیف کرده‌اند (کرک پاتریک، ۱۹۹۹؛ نقل از سپاه منصور و همکاران، ۱۳۸۷).

از دیدگاه آلپورت جهت‌گیری مذهبی به دو صورت جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی است. وی قابل قبول ترین روش متمایز کردن این دو قطب مذهب را این می‌داند که بگوییم شخصی با «مذهب بیرونی» مذهبش را به کار می‌گیرد. در صورتی که شخص دارای مذهب درونی با مذهب اش زندگی می‌کند (نقل از خدایپناهی و خوانین زاده، ۱۳۷۹). جهت‌گیری مذهبی درونی به جای جهت‌گیری مذهبی بیرونی در واقع یک حس معنادار از مرگ و زندگی را فراهم می‌کند، در حقیقت بسیاری از مطالعات میان جهت‌گیری مذهبی درونی و ترس از مرگ رابطه منفی پیدا کرده‌اند (راس‌موسن و جانسون، ۱۹۹۰). افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی نسبت به جهت‌گیری مذهبی بیرونی کمتر احتمال دارد که ترس از مرگ و یا افکار اجتنابی در باره‌ی مرگ داشته باشند زیرا معتقدند در زندگی بعد از مرگ در برابر رفتار مذهبی‌شان پاداش خواهند گرفت (هود و موریس، ۱۹۸۳). البته بعضاً مطالعاتی نیز دیده می‌شود که به نتایج مغایر با اکثر تحقیقات دست یافته‌اند، به عنوان نمونه فیهل در سال ۱۹۵۹ در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که مردم مذهبی ترس از مرگ بسیار دارند اما در تحقیقات بعدی فیهل و برنسکومب به نتیجه‌ی عکس تحقیق قبلی دست یافته و گزارش کردند که بین جهت‌گیری مذهبی واضطراب مرگ رابطه‌ی منفی وجود دارد. به طور متوالی تحقیقات به صورت تک بعدی جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ را ارزیابی می‌کنند که حاصل آن فراهم شدن یافته‌های متعارض است. با توجه به اینکه ترس از مرگ و نگرش به مرگ

نتایج تحقیق حاضر می‌تواند در برنامه‌های آموزشی و درمانی بیماران در شرف مرگ و سایر گروه‌هایی که برای کنار آمدن با مرگ یا به دلایلی از جمله ترس از مرگ جزء گروه‌های هدف روانشناسان سالمندی قرار می‌گیرند، مورد توجه قرار گیرد. در این پژوهش محدودیت‌هایی وجود داشت. از آن جمله می‌توان به مشکلات معمول نمونه‌گیری افراد سالمند و کم‌علاقگی آن‌ها به همکاری در تحقیقات، ضعف بینایی، و کم‌سوادی برخی از آن‌ها اشاره کرد، که مشکلاتی را در تکمیل پرسشنامه‌ها ایجاد می‌کند. استفاده از ابزارهای خودسنجی و حساسیت مربوط به اظهارنظر افراد درخصوص مسائل مذهبی، نیز باید در تعمیم نتایج مدنظر قرار گیرد. از آنجا که آزمودنی‌های تحقیق حاضر مردان بودند، درمورد تعمیم نتایج به زنان نیز ملاحظات مد نظر قرار خواهد گرفت.

#### منابع

آزموده، پیمان؛ شهیدی شهریار و دانش، عصمت (۱۳۸۶). رابطه‌ی بین جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی در دانشجویان. *فصلنامه‌ی روانشناسی*، ۱۱(۱): ۶۰-۶۴.

ابوالقاسمی، عباس و نریمانی، محمد (۱۳۸۵). *آزمون‌های روانشناختی*. اردبیل: نشر باغ رضوان.

خدانپانی محمدکریم و خوانین زاده سریزدی، مرجان (۱۳۷۹). بررسی نقش ساخت شخصیت در جهت‌گیری مذهبی دانشجویان. *مجله‌ی روانشناسی*، ۲(۲): ۱۸۵-۲۰۴.

سپاه منصور، مژگان؛ شهایی زاده، فاطمه و خوشنویس، الهه (۱۳۸۷). ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی خدا. *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۴(۱۵): ۲۶۵-۲۵۳.

Beck, R. (2006). Defensive versus existential religion: Is religious defensiveness predictive of worldview defense? *Journal of Psychology and Theology*, 34(2): 143-153.

Frankl, V. E. (1977). *Man's search for meaning: An introduction to logo therapy*. London: Hodder & Stoughton.

Hood, R. W., & Morris, R. J. (1983). Toward a theory of death transcendence. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 22: 353-365.

Jung, C. G. (1965). The soul and death. In Feifel, H. (Ed.), *The meaning of death* (pp. 3-15). New York: McGraw-Hill Book Company.

Rasmussen, C. H., & Johnson, M. E. (1994). Spirituality and religiosity: Relative relationships to death anxiety. *Omega-The Journal of Death and Dying*, 29: 313-318.

Solomon, S.; Greenberg, J. & Pyszczynski, T. (1998). Tales from the crypt: On the role of death in life. *Zygon*, 33(1): 9-43.

همچنین برخی میدان‌های شهر مراجعه شد، پس از انتخاب آزمودنی‌ها و توضیح اهداف پژوهش، از افراد بزرگسال خواسته می‌شد که در صورت رضایت، در مطالعه‌ی حاضر همکاری داشته باشند. بدین ترتیب ۱۵۰ نفر بزرگسال بالای ۴۰ سال که میانگین و انحراف استاندارد سن آن‌ها به ترتیب ۵۳/۴۷ و ۹/۵۶ سال بود، با تکمیل پرسشنامه‌ها در تحقیق حاضر شرکت کردند. جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و نوشتن مقاله در پروسه‌ی زمانی ۵ ماهه از مرداد ۱۳۸۹ تا آذر ۱۳۸۹ صورت گرفت.

#### نتایج

برای بررسی میزان اضطراب مرگ براساس جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی از آزمون *t* دو گروه مستقل استفاده شده است. نتایج در جدول ۱ ذکر می‌شود.

#### جدول ۱

توصیف آماری میزان اضطراب مرگ براساس جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی

گروه	فراوانی	میانگین	SD
درونی	۹۱	۴۰/۱۵	۸/۵۱
بیرونی	۵۹	۵۳/۲۲	۱۰/۵۳

از آن جا که نتیجه آزمون  $t(148) = -8/355$ ;  $(p < 0.001)$  معنادار است، بنابراین، افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی (با میانگین ۴۰/۱۵) نسبت به افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی (با میانگین ۵۳/۲۲) از اضطراب مرگ پایینی برخوردارند.

برای بررسی میزان اضطراب مرگ در بین افراد دارای دلبستگی ایمن به خدا و دلبستگی نایمن به خدا نیز از آزمون *t* دو گروه مستقل استفاده شده است نتایج در جدول ۲ ذکر می‌شود.

#### جدول ۲

توصیف آماری میزان اضطراب مرگ براساس دلبستگی ایمن و نایمن

گروه	فراوانی	میانگین	SD
ایمن	۸۴	۳۷/۶۰	۵/۵۱
نایمن	۶۶	۵۵/۰۹	۸/۹۷

با توجه به معناداری بودن نتیجه آزمون  $t(102) = -8/355$ ;  $(p < 0.001)$ ، می‌توان گفت افراد دلبسته ایمن (با میانگین ۳۷/۶۰) نسبت به افراد دلسته نایمن (با میانگین ۵۳/۲۲) از اضطراب مرگ پایینی برخوردارند.

#### بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی تطبیقی اضطراب مرگ در سبک‌های دلبستگی به خدا و ابعاد جهت‌گیری مذهبی است. نتایج پژوهش حاضر در خصوص ابعاد جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ نشان داد که افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی از میزان اضطراب مرگ پایین‌تری برخوردارند. نتایج این مطالعه در خصوص سبک‌های دلبستگی به خدا و اضطراب مرگ نیز نشان داد که افراد دارای دلبستگی ایمن به خدا از میزان اضطراب مرگ پایین‌تری برخوردارند. یافته‌های پژوهش حاضر در تطابق با نظریه‌ی عقیده‌ی یونگ (۱۹۶۵) و فرانکل (۱۹۷۷) بیانگر این است که دلبستگی به مذهب اضطراب مرگ را به حداقل می‌رساند و به عنوان عامل حمایتی بر علیه احساس ناامیدی وجودی عمل می‌کند. بدین ترتیب، با افزایش اعتقاد به خدا و پذیرش درونی مذهب سطح اضطراب مرگ پایین می‌آید. همچنین در تطابق با نتایج مطالعه‌ی حاضر می‌توان به مطالعات راس موسن و جانسون (۱۹۹۴) اشاره کرد، که میان جهت‌گیری مذهبی درونی و ترس از مرگ ارتباط منفی و میان جهت‌گیری مذهبی بیرونی و اضطراب مرگ ارتباط مثبت گزارش کرده است. بدین ترتیب، با افزایش اعتقاد به خدا و پذیرش درونی مذهب سطح اضطراب مرگ پایین می‌آید. براساس نظریه‌ی مدیریت ترس (TMT) اضطراب و ترس از مرگ توسط بسیاری از عوامل شناختی فراخوانده می‌شود، طبق این نظریه فرد با تصویرسازی درمورد مرگ خویش، اضطراب و ترس از مرگ را تجربه می‌کند که این اضطراب می‌تواند شدید و ناتوان‌کننده باشد. این نظریه معتقد است که مردم برای مدیریت ترس دیدگاه‌های فرهنگی جهانی خاص خود را در آگاهی و مواجهه با مرگ شکل می‌دهند. این دیدگاه‌های فرهنگی جهانی می‌تواند شامل اعتقادات مذهبی باشد که مسیرهای دست‌یابی به موفقیت و یافتن معنا در زندگی را فراهم می‌کند. به طور کلی براساس نتایج پژوهش حاضر و یافته‌های اکثر محققین و نظریات (راس موسن و جانسون، ۱۹۹۴؛ هود و ماریس، ۱۹۸۳) می‌توان نتیجه گرفت که هرچه فرد دارای جهت‌گیری مذهبی قوی و ارتباط نزدیک با خدا و دلبستگی ایمن به خدا باشد از میزان اضطراب مرگ کمتری برخوردار خواهد بود.